



بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر □ - 22 / اسفند / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، فالق الاصباح، ديّان الدين، رب العالمين. احمده واستعينه، و استغفره و اتوكل عليه. و اصلى و اسلم على حبيبه و نبييه، سيّدنا و نبينا، ابى القاسم محمّد، و على آله الأطيبيّن الأطهرين المعصومين المنتجبين، سيّما بقية الله فى الارضين، و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

عید سعید فطر را به همه شما عزیزان نمازگزار و به همه ملت بزرگ ایران و به همه مسلمین عالم، تبریک عرض می کنم. روزی بزرگ، پس از روزها و شبهایی بسیار با عظمت است. امیرالمؤمنین، علیه الصلوة والسلام در یکی از خطبه های روز عید فطر چنین فرمود: «ایها الناس! ان یومکم، هذا یوم مثاب فيه المحسنون (1)»؛ ای مردم! امروز روزی است که در آن نیکوکاران پاداش و اجر خود را از خدای متعال می گیرند؛ اجر روزه، اجر عبادات ماه رمضان، اجر امساکها و جلوگیریها از هوای نفس. «و یخسر فيه المبطلون»؛ و کسانی که حرکت و عمل نادرست داشته اند، در چنین روزی، خسارت بدکارگی خود را خواهند یافت. امروز، روز جزاست. «و هو اشبه یوم بیوم قیامکم»؛ امروز، شبیه روز قیامت است. «فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلاکم، خروجکم من الاجداث الی ربکم»؛ از خانه که به طرف مصلائی نماز عید فطر خارج می شوید، به یاد بیاورید هنگامی را که از قبرهای خود در روز قیامت خارج می شوید تا به طرف میدان عظیم قیامت و محلّ ثواب و عقاب الهی روانه گردید. «واذکروا بوقوفکم فی مصلاکم ووقوفکم، بین یدی ربکم»؛ در مصلا که برای نماز می ایستید، به یاد بیاورید هنگامی را که در قیامت، در پیشگاه پروردگار ایستاده اید و برای حساب و کتاب آماده می شوید. «واذکروا برجوعکم الی منازلکم، رجوعکم الی منازلکم فی الجته»؛ از مصلا که به خانه های خود برمی گردید، به یاد بیاورید وقتی را که از عرصه قیامت به سوی منازل بهشتی خود روانه می شوید تا در آنها سکنا گزینید.

بعد فرمود: ای بندگان خدا! «ان ادنی ما للصائمین والصائمات»؛ کمترین پاداشی که خدای متعال برای مردان و زنان روزه دار در مثل امروز یا در مثل روز آخر ماه رمضان عطا خواهد کرد، این است که «ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان»؛ فرشته ای در آخرین روز ماه رمضان، آنها را مخاطب قرار دهد و گوید: «ابشروا عبادالله»؛ بشارت بر شما باد ای بندگان خدا! «فقد غفرلکم ما سلف من ذنوبکم»؛ گناهان شما آمرزیده شد.

این، پاداش ماه رمضان است. به یک روزه درست، یک عمل پر مغز و یک عبادت خالصانه و مخلصانه، در آخرین دقایق ماه رمضان و آخرین ساعات آن ماه عزیز، این گونه پاداش داده می شود: «فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم». آمرزش گناهان گذشته، پاداش کمی نیست! «فانظروا کیف تکنون فی ما تستأنفون»؛ ببینید از امروز که می خواهید روزی نو را شروع کنید، چگونه شروع خواهید کرد. مبدا خیال کنید و با خود بگویید که «ما گناه کنیم، تا در ماه رمضان دیگر، آمرزیده شویم!» هیچ کس نمی داند که تا ماه رمضان دیگر زنده خواهد ماند یا نه. سال گذشته، در همین نماز عید و در همین مصلائی، کسانی حضور داشتند که امسال نیستند. سال آینده هم معلوم نیست کدام از ما باشیم و کدام نباشیم. به علاوه، گناهی که از روی تجرّی و تعمد انجام گیرد، دل انسان را سیاه و تاریک می کند. از چنین انسانی، دیگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمی زند؛ تا گناه وی به خاطر آن عبادت آمرزیده شود. سعی کنید



و سعی کنیم که از گناهان اجتناب نماییم و عمل صالح انجام دهیم. این است خصوصیتی که يك انسان را سعادت‌مند می‌کند.

امروز، به مناسبت عید فطر و پس از این کلمات نورانی که از خطبه امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام نقل شد، يك نکته اخلاقی کوتاه را می‌خواهم عرض کنم. آن نکته این است که در یکی از دعاهای صحیفه سجّادیه - صحیفه ثالثه سجّادیه - در آخر دعایی که مابین نافله و فریضه صبح خوانده می‌شود، از امام سجاد علیه السلام چنین نقل شده است: «اللّهم الرّزقنى عقلاً كاملاً و عزمًا ثاقباً و لباً راجحاً و قلباً زكياً و علماً كثيراً و ادباً بارعاً.» آن حضرت، شش چیز از خدای متعال خواسته است. می‌فرماید: خدایا! عقل کامل، اراده نیرومند، لبّ راجح - که من روی این خواسته سوم می‌خواهم تکیه کنم - دل پاکیزه، دانش بسیار، و ادبی برجسته و درخشان به من عنایت کن!

نکته و خواسته سوم، «لبّ راجح» است. معنایش این است که «باطن و مغز کار من، از ظاهر و شکل کار من، بیشتر باشد.» ببینید امام سجاد، علیه السلام از خدا چه خواسته است! من می‌خواهم برای شما مردم مؤمن، برای ملت بزرگ ایران، برای دلهایی که به نور ایمان روشن شد و با سخن و عمل خود دنیایی را روشن کرد، این نکته را تکرار کنم: «لبّاً راجحاً.»

ما، دو نوع آدم داریم: يك نوع، آدمی است که هرچه هست، در ظاهر اوست. ظاهرش جذاب و چشمگیر و احیاناً خاشع‌کننده و خاضع‌کننده است. اما باطنش پوک و پوچ است؛ چیزی در او نیست. این، بدترین نوع آدمی است که می‌خواهد منشأ آثار بزرگ باشد. پناه بر خدا! اما يك نوع دیگر، آدمی است که باطن او بر ظاهرش ترجیح دارد. ظاهرش هر چه هست، باطن او بهتر و بیشتر از ظاهر، جذابیت دارد. امام سجاد علیه السلام به ما درس می‌دهد که از خدا بخواهیم آدمی از نوع دوم باشیم.

می‌دانیم که دعاها، فقط خواستن از خدا نیست؛ بلکه درس برای خود ما نیز هست. ریاکاری، مال آدم نوع اوّل است. صومعه، از آن آدم نوع اوّل است. پوکی و بی‌مغزی، ویژه آدم نوع اوّل است. چنین آدمی، نه در جنگ به درد می‌خورد، نه در شدت به کار می‌آید و نه بارهای سنگین را می‌تواند بر دوش بگذارد. هر چه دارد، فقط ظاهر است! اما تربیت اسلامی، غیر از این است. تربیت اسلامی بر این مبناست که ظاهر را باید حفظ کنی، اما باطنت باید از ظاهر بهتر باشد. کسانی نگویند «ظاهر هرطور بود، بود. اصل، باطن است.» بله، اصل باطن است. اما ظاهر باید نمودار باطن باشد: «الظاهر عنوان الباطن.» (2) ظاهر را هم باید درست کرد. هیچ کس نباید تظاهر به کار خلاف کند. اگر از عمل و سیمای کسی آثار عبادت خدا دیده و شناخته شود، تأثیر بسیار خوبی می‌گذارد. اما در همان حال، باید باطن از ظاهر، بهتر و سنگینتر باشد.

پروردگارا! تو را به محبوب بزرگ عالم امکان، امام زمان، تورا به آن قطب همه فضایل هستی سوگند می‌دهیم، باطن ما را از ظاهرمان بهتر کن.

پروردگارا! دعای ولیّ عصر، ارواح‌نفاذ را شامل حال ما بگردان.

پروردگارا! روح مطهّر امام بزرگوار و ارواح مقدّسه شهدا و گذشتگان ما را، در امروز از این مجمع و از حسنات اعمال



ما، بهره مند بگردان.

پروردگارا! اعمال ماه رمضان را از همه ما قبول فرما و توفیق عمل صالح به همه ما عنایت کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.

قل هو الله احد. الله الصمد. لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا، ابي القاسم محمد، و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، سيما على، اميرالمؤمنين، والصديقة الطاهرة، و سبطي الرحمة، و امام الهدى، الحسن والحسين، و على بن الحسين، و محمد بن علي، باقر علم النبيين، و جعفر بن محمد الصادق، و موسى بن جعفر الكاظم، و على بن موسى الرضا، و محمد بن علي الجواد، و على بن محمد الهادي، و الحسن بن علي العسكري، والحجة بن الحسن القائم المهدي. حججك على عبادك، و امنائك في بلادك. و صلّ على ائمة المسلمين، و حماة المستضعفين، و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقواله.

امروز، در صحنه سیاست بین المللی - دولتها و قدرتهای جهانی از يك طرف و ملتها و جمعیتهای انبوه مردمی از طرف دیگر - هم خصوصیات زیبا وجود دارد و هم خصوصیات زشت. خصوصیات زیبا، بیداری ملتها، اسلامگرایی ملتهای مسلمان و تحمل ناپذیری مظلومان است، و خصوصیات زشت، ستمگری ستمگران، زورگویی قلدان و توطئه بددلان و بدخواهان ملتهاست. در بین نقاط نامطلوب و زشت در صحنه جهانی، يك نقطه - به نظر من - زشت تر از همه است. امروز می خواهیم آن نقطه را مورد تکیه قرار دهیم، تا نظر ملت ایران، برای همه کسانی که نظاره گرند معلوم شود. آن نقطه این است که ما از قلدرها و گردن کلفت های عالم، انتظار خوب بودن و ظلم نکردن نداریم؛ اما از مجامع جهانی عالم، انتظار انصاف و استقلال داریم! سازمان ملل، اسمش سازمان ملل است. یعنی جایی که از آن ملتهاست. این سازمان جهانی، در تبیل دولتها هم نیست، چه رسد به این که مال چند دولت قلد ر زورگویی افزون خواه دنیا باشد. متأسفانه، امروز، واقعیت چیز دیگری است و این، همان نقطه بسیار زشت است. ما البته کارهای شورای امنیت را که دستگاه اصلی تصمیم گیرنده در سازمان ملل و قلب این سازمان است، از قبل دیده بودیم. فهمیده بودیم که چقدر این سازمان، در مواقع حساس، درمشت ابرقدرتها قرار می گیرد و برای آنها - و نه برای ملتها - می شود. شاهد مثال آن، قضیه جنگ تحمیلی بود. وقتی جنگ تحمیلی پیش آمد و عراق مرزهای ما را شکست و وارد چنداستان کشور ما شد، ما طبق معمول به سازمان ملل شکایت کردیم. طبق مقررات سازمان ملل، می بایست شورای امنیت در ظرف چند ساعت، قطعنامه ای صادر می کرد که عراق را به عنوان متجاوز محکوم کند. این کار را نکردند؛ و تا چندین روز، هیچ عکس العملی نشان ندادند. وقتی که قشون عراق، با استفاده از اوضاع نابسامان آن روز ما، در خاک کشور عزیزمان، خوب جاگیر شد و چند هزار کیلومتر را اشغال کرد، تازه شورای امنیت سر بلند کرد که يك کلمه حرف بزند. مثلاً، قطعنامه صادر کرد! قطعنامه چه بود؟ آیا قطعنامه این بود که «متجاوز، از خاک ایران، بیرون برود»؟ ابداً! قطعنامه صادر کردند که «ایران و عراق، آتش بس اعلام کنند»! یعنی چه؟ یعنی قشون عراق وارد خاک ایران شده است و حال که نوبت دفاع جانانه ملت ایران است، دستها بسته شود و کسی دفاع نکند و متجاوزین رابرون نریزند!



این، قطعنامه شورای امنیت بود! می دانید که چند سال، اینها بی آن که متجاوز را محکوم کنند، همین حرف را زدند! البته رزمندگان ما، در مدت نه چندان زیادی - تقریباً در ظرف یک سال و نیم - اکثر زمینها را خودشان پس گرفتند.

این سابقه را، در قضیه جنگ تحمیلی از شورای امنیت سازمان ملل داشتیم. بعد از چند سال، حمله عراق به کویت اتفاق افتاد. وقتی که عراق به کویت حمله کرد، دیگر مسأله، مسأله یک ملت مظلوم نبود. مسأله، مسأله منافع آمریکا و ابرقدرتها بود و همه دیدید که در ظرف چند ساعت، قطعنامه اول صادر شد که «عراق باید از کویت بیرون برود.» یعنی همان موردی که ما چند سال به شورای امنیت می گفتیم باید چنین قطعنامه ای را در جنگ تحمیلی که علیه ما آغاز کرده اند، صادر کند و نمی کرد.

باری؛ در ظرف چند ساعت قطعنامه اول صادر شد و بعد هم، بلافاصله، پی در پی، شورای امنیت قطعنامه های گوناگونی صادر کرد و به امریکاییها اجازه داد که وارد خلیج فارس شوند. اجازه داد عراق را ویران کنند و هر کاری که دلشان می خواست بکنند. تا امروز هم، اجرای قطعنامه های شورای امنیت نسبت به قضیه جنگ کویت، در جریان است و هنوز هم اجرا می شود.

این مسائل را ما دیده بودیم. در این ماههای اخیر هم، یک بار در قضیه بوسنی، که شورای امنیت بایستی حرکت عادلانه ای انجام می داد، دیدیم انجام نداد. چنان که در قضیه حرم شریف ابراهیمی در فلسطین اشغالی، اقدامی به عمل نیاورد. ملتهای مسلمان اعلام آمادگی کردند تا نیروهایی را به عنوان سربازان سازمان ملل اعزام کنند که میان صربها و مسلمانان بوسنی حایل شوند. شورای امنیت گفت که «مسلمانان نمی توانند بروند؛ چون ممکن است از طرف مسلمان درگیر در مناقشه، حمایت کنند». البته، این حرف غلطی بود. چون مسلمانان برای وساطت می رفتند و می خواستند بین طرفین نزاع حایل شوند؛ نه این که بجنگند. شورای امنیت، چنین ادعایی را مطرح کرد. اما در همین حال اجازه دادند که سربازان روسی که معلوم بود با صربها روابط دوستانه و صمیمی دارند، به عنوان سربازان سازمان ملل، به آن منطقه بروند و به عنوان حایل در آن جا حضور داشته باشند.

پس چرا این جا ملاحظه نکردند که سربازان روسی، از لحاظ مذهبی و از جهات پیوندهای گوناگون، با صربها ارتباط دارند؟! دنیا تصویر تانکهای سربازان روسی را که حامل آرم سازمان ملل بود، منتشر کردند. در آن تصاویر، نشان داده می شد که روسها وارد منطقه می شدند و صربها برایشان شعار می دادند، کف می زدند و هورا می کشیدند! هنوز هم مسلمانان بوسنی قربانی می شوند و سازمان ملل ککش نمی گزد! شورای امنیت هم به وظیفه خود عمل نمی کند.

قضیه دوم، فاجعه خونین حرم ابراهیمی است. در این ماجرا اسرائیل می بایست شدیداً محکوم می شد. بایستی محاکمه می گردید و مجبور می شد مجازاتهایی را تحمل کند. این کارها رابایستی سازمان ملل می کرد و نکرد. شورای امنیت هم در این قضیه به وظیفه خود به هیچ وجه عمل نکرده است.

علت را در چه می بینیم؟ در نفوذ قدرتهای بزرگ، و در رأس آنها نفوذ امریکا بر شورای امنیت و بر شخص دبیرکل! این، نظر نظام جمهوری اسلامی و نظر ملت ایران است. ما با کسی دشمنی خاصی نداریم. ما به مقامات جهانی، بر حسب شأن و موقعیتشان، احترام می گذاریم. دبیرکل قبلی سازمان ملل (3)، مکرراً به ایران آمد. در آن زمان، رئیس



جمهور، رئیس مجلس و مسؤولین وزارت خارجه، از او احترام و تکریم کردند. اگر دبیرکل به وظایف خود عمل کند، ما او را احترام می‌کنیم. اما به نظر ما و به نظر ملت ایران، دبیر کلّ فعلی سازمان ملل به وظیفه خود عمل نکرده است. این حرکت زشت اخیر که کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر سازمان ملل انجام داد و در اقدامی مفتضحانه، جمهوری اسلامی را متهم کرد، از همین قبیل است. جلو چشمشان، اسرائیلیها صدها نفر مسلمان نمازگزار را به خاک و خون می‌کشند و بیش از هفتاد نفر را می‌کشند، اما آنها را محکوم نمی‌کنند!

در این منطقه، کدام دولت و ملت راسراغ دارید که مثل دولت و ملت ایران، مردمی باشد، آزاد باشد و حکومتش در اختیار آرا و افکار مردم باشد؟! چنین مجلس و چنین آزادی ای که دولتمردان، از مردم، در میان مردم و با مردم باشند، کجا سراغ دارید؟ ملت ایران، برای خاطر خدا، برای حفظ استقلال و آزادی خود، برای خاطر ظلم ستیزی خود، برای این که روی پای خود بایستد، برای این که تحت نفوذ امریکا نباشد و برای این که گذشته ننگین دوران سلطنت را با رفتار شجاعانه و بزرگووانه خود به کلی بشوید و از بین ببرد، در مقابل همه قدرتهای قلدر ایستاده است و باز هم خواهد ایستاد. آینده این ملت، روشن است. روزبه روز قدرت این ملت بیشتر و ریشه هایش عمیقتر می‌شود. روزبه روز سخن این ملت در جهان، خریدار بیشتری پیدا می‌کند و می‌بینید که امروز همین گونه است. ما امروز از ده سال گذشته، قویتر و در دنیا آبرومندتریم. ملت، به برکت اسلام و به برکت قرآن، مستقیمتر و شجاعتر و آماده پیگیری راه بزرگ و هدف عالی خود است.

يك نکته دیگر هم در پایان این صحبت عرض کنم: متأسفانه، مسأله حج، هنوز آن گونه که باید و شاید، در جریان عادی خود قرار نگرفته است. دولت سعودی سنگ اندازی می‌کند و نمی‌داند چرا؟! وزارت خارجه، سازمان حج، دستگاه نمایندگی رهبری و «بعثه» رهبری، تلاشهای زیادی کرده اند و باید بسیاری از کارهای حج در این روزها - بعد از ماه رمضان - تمام شده باشد. اما مشکل می‌آفرینند. نمی‌دانم چرا این کار را می‌کنند؟! البته ما، حمل برصحت می‌کنیم. ما امیدواریم که مسؤولین سعودی، خدای ناخواسته حرکتی نکنند که ملت ایران از آنها خشمگین شود. کاری نکنند که مسلمانان جهان چنین احساس کنند که حج نیز وسیله ای در دست امریکا و قدرتهای بزرگ است. نباید چنین شود و امیدواریم که نشود.

بنده اعلام می‌کنم که حج، حقّ مسلمانان، و خانه خدا از آن مسلمانان است. «انّ اولّ بیت وضع للئاس (4)». خانه خدا مال کسی نیست. اگر کسی افتخار این را پیدا کرد که مدیریت خانه خدا در دست او باشد، باید خدا را شکر کند و وسیله رفاه ملتها را برای رفتن به مکه فراهم سازد؛ نه این که سنگ اندازی کند. این ملت بزرگ و مؤمن، با آن علاقه و شوقی که به زیارت خانه خدا و زیارت قبر مطهرّ نبیّ اکرم و قبور ائمه بقیع علیهم السّلام دارد، شایسته است که برای زیارت حج و طواف خانه خدا، مقدّم بر سایر ملتها قرار گیرد. ما از خدا می‌خواهیم مناسک حج که مناسکی اسلامی است، اسلامی باقی بماند و قربانی سیاستهای بین المللی استکبار نشود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، ملت‌های مسلمان را بیدار کن.

پروردگارا! ستمگران عالم را به دست مظلومان مجازات کن.

پروردگارا! ملت سرافراز و بزرگ ایران عزیز اسلامی را آن چنان که شایسته بزرگواری او و شایسته کرامت توست، عطا



و پاداش عنایت کن.

پروردگارا! ارواح مطهره شهدا و روح مقدس امام را از ما خشنود کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.

والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

1) -

2) بحار الانوار ؛ ج 66 ؛ ص 365.

3) خاویر پرزوکوئیاری»

4) آل عمران: 96